



سرشناسه: بهارلو، علیرضا، ۱۳۶۳ -، گردآورنده، مترجم

Baharloo, Alireza

عنوان و نام پدیدآور: شکوه هنر قاجار: مجموعه مقالات فرهنگ، هنر و کاشی کاری عصر قاجار / گردآوری و ترجمه علیرضا بهارلو، مرضیه قاسمی؛ مقدمه مهدی مکی نژاد؛ ویراستار کیانوش معتقدی. مشخصات نشر: تهران: دانیار، ۱۴۰۵. / مشخصات ظاهری: ۲۹۶ ص.: مصور. شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۸۸۶۴۹-۴-۵

وضعیت فهرست نویسی: فیپا / یادداشت: کتاب حاضر ترجمه و گردآوری از منابع مختلف است.

عنوان دیگر: مجموعه مقالات فرهنگ، هنر و کاشی کاری عصر قاجار.

موضوع: کاشی و کاشی کاری ایرانی -- تاریخ -- قرن ۱۳ ق. Tiles, Iranian -- History ۱۹th century --

کاشی -- ایران -- تهران -- تاریخ -- قرن ۱۳ ق. History -- Iran -- Tehran -- Tiles -- ۱۹th century --

نقاشی روی کاشی -- ایران -- تهران* Tile painting -- Iran -- Tehran --

کاشی و کاشی کاری اسلامی -- ایران -- تهران Islamic tiles -- Iran -- Tehran --

شناسه افزوده: قاسمی، مرضیه، ۱۳۴۸-، گردآورنده، مترجم / شناسه افزوده: مکی نژاد، مهدی، [دکتر]، ۱۳۴۶-،

مقدمه نویس / شناسه افزوده: معتقدی، کیانوش، ۱۳۶۱-، ویراستار

رده بندی کنگره: NK۴۶۷۰/۷

رده بندی دیویی: ۷۳۸/۶۰۹۵۵۱۲۲۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۵۸۳۴۶۰

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا



شکوه هنر قاجار

مجموعه مقالات فرهنگ، هنر و کاشی کاری عصر قاجار

نویسنده: جنیفر اسکرس

مترجمان: علیرضا بهارلو و مرضیه قاسمی

مقدمه: مهدی مکی نژاد

ویراستار: کیانوش معتقدی

چاپ و صحافی: ناژو

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۵

تیراژ: ۲۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۸۸۶۴۹-۴-۵

۰۹۳۰۰۶۵۵۰۴۸

www.danyarpub.ir

شکوه هنر قاجار

جنیفر اسکرس



شکوه هنر قاجار

(مجموعه مقالات فرهنگ، هنر و کاشی کاری عصر قاجار)

نویسنده:

جنیفر اسکرس

گردآوری و ترجمه:

علیرضا بهارلو

مرضیه قاسمی

مقدمه:

مهدی مکی نژاد



۹	 مقدمه
۱۳	 یادداشت مترجمان
۲۱	 ۱. هنر ایران از نگاه سیاحان بریتانیایی قرن نوزدهم
۴۹	 ۲. تفریح و تفرّج در شرق و غرب: سه رویارویی میان ایرانیان و اروپاییان در عصر قاجار
۷۱	 ۳. هنر و معماری عصر قاجار
۱۰۹	 ۴. باستان‌گرایی در هنر قاجار
۱۳۹	 ۵. سیری در کاخ‌های سلطنتی قاجار
۱۷۳	 ۶. معماری و تزئینات کاخ گلستان: اهداف و دستاوردهای فتح‌علی شاه و ناصرالدین شاه
۱۹۷	 ۷. تجلّی فرهنگ مذهبی و عامیانه در کاشی‌کاری قاجار
۲۲۵	 ۸. نقش رنگ در مضامین و تکنیک‌های کاشی‌کاری قاجار
۲۴۷	 ۹. علیمحمد اصفهانی، کاشی‌کار تهرانی
۲۷۶	 گاه‌شماری و تبارشناسی قاجارها (ضمیمه‌ی یک)
۲۷۹	 تاجگذاری پادشاهان قاجار (ضمیمه‌ی دو)

به نام آن که هستی نام از او یافت

هنر قاجار برخلاف اوضاع سیاسی و اجتماعی این دوره، بسیار متنوع، پُرکار و دارای اصالت و هویتی مستقل است، خصوصاً هنرهای مردمی یا هنرهای غیررسمی این دوره که هنوز به خوبی شناسانده نشده‌اند. کاشی‌کاری این دوره سهم عمده یا بهتر بگوییم بیشترین سهم تصویری و عمومی را به عهده داشته است. متأسفانه کاشی‌کاران نه در دوره‌ی معاصر که در هیچ دوره‌ای، در ساحت هنر رسمی ایران جایگاه ویژه‌ای نداشته‌اند. تاکنون سندی در حمایت از این صنف و یا بخشیدن صله یا واگذاری لقب و منصبی به این طیف از هنرمندان در تاریخ ایران سراغ نداریم. اصولاً صاحبان صنایع و حرف در رشته‌های مختلف دیگر نیز وضعی مشابه داشتند. اما آثار این هنرمندان، زینت بخش کاخ‌ها، کوشک‌ها و خانه‌های اعیان و اشراف و اماکن عمومی مذهبی بوده است. این هنر به اصطلاح غیررسمی یا غیردرباری و مردمی، از جهاتی خلوص بیشتر و ناب‌تری نسبت به هنر رسمی و حکومتی داشته است. زیرا زمانی که نقاشی‌های همایونی در زیر سایه و لوای پادشاه جم‌جاه، و سفارش‌های آنان، مشق پرتره‌های سلطنتی و تمثال‌های آن‌چنانی یا لباس‌های مرصع را بر بوم می‌کشیدند، هنرمندان گمنام و کاشی‌نگاران رنجکش در کارگاه‌های کوچک و دور از مرکز شهر، در زیر خاک و گرمای طاقت‌فرسای کوره‌ها، و با سختی‌های فراوان، بر بوم کاشی نقش عشق می‌زدند و روایت‌هایی جذاب مانند لیلی و

مجنون نظامی و داستان‌های ادب فارسی را ترسیم می‌کردند. این هنرمندان به دور از هیاهوی دربار، کمترین تأثیرات را از هنر اروپا و غرب گرفته و همچنان دل در گرو خواست و تمنای مردم و بر اساس پیشینه و ذهنیت‌های گذشته، هنر اصیل ایرانی را رقم می‌زدند. از این بابت کارهایشان اصالت بیشتری دارد و این مسأله هنوز مورد بررسی دقیق قرار نگرفته است.

در خصوص آثار، زندگی، کار و کسب کاشی‌کاران ادوار گذشته، خصوصاً دوره‌ی قاجار، مستندات متقن و مدّونی وجود ندارد. در کتاب‌های تاریخی، در اسناد و رسایل گذشته هیچ نام و نشانی از آنها یافت نمی‌شود، اما در عین حال، با انبوهی از آثار فاخر و کاشی‌های هزاررنگ بر پهنه‌ی دیوارها و موزه‌ها و بروه‌هستیم که مهم‌ترین منابع قابل اتکا برای انجام تحقیقات در زمینه‌های مختلف هنر، تاریخ، فرهنگ و جامعه هستند. به خصوص اینکه درج رقم‌ها و گاهی نوشته‌هایی در حاشیه که یک سنت پایدار در این هنر است و از قضا هنرمندان دوره‌ی قاجار، بیش از همه به این سنت حسنه وفادار بوده‌اند، به درک و فهم و شناخت ظرایف و تاریخ کاشی‌کاری ایران کمک شایانی می‌کند. دوره‌ی قاجار اوج حاشیه‌نگاری و رقم‌زدن هنرمندان در ذیل آثارشان به شمار می‌آید و در هیچ دوره‌ای این همه اسم و رسم در ذیل آثار کاشی‌کاری سراغ نداریم.

دامنه و عمر تحقیقات معاصر در زمینه‌ی کاشی و کاشی‌پزان محدود و مختصر است، اما قریب به هزار سال پیش، رساله‌ی الدرّه‌المکنوه در قرن دوم ه.ق. توسط جابر ابن حیان، پدر علم شیمی ایران در خصوص زرّین فام و شناخت کانی‌ها و اکسیدهای رنگی نوشته و بعد از آن رساله‌ی جواهرنامه‌ی نظامی، عرایس الجواهر ابوالقاسم کاشانی و رساله‌ی علیمحمد اصفهانی نوشته شده است. در دوره‌ی قاجار ترجمه‌ی رساله‌های فنی و تألیف رساله‌های فارسی، برای امر آموزش در «مدرسه‌ی دارالفنون»، از طرف دستگاه دربار مورد تأکید قرار گرفت. نخستین تلاش در حوزه‌ی کاشی و سرامیک و شناخت بدنه‌های چینی، ترجمه‌ی رساله‌ای در بیان علم ساختن چینی به سال ۱۲۶۸ ه.ق. توسط میرزا رضا، حسب الامر میرزا تقی خان امیرنظام، موجود در کتابخانه‌ی «موزه‌ی ملک» و رساله‌ی دیگری در تفصیل ساختن چینی به سال ۱۲۸۵ ه.ق. موجود در کتابخانه‌ی «مسجد و مدرسه سپهسالار» تهران است. متأسفانه این ترجمه‌ها تبدیل به یک رویه‌ی علمی نشد و نتوانست به پژوهش‌های بومی‌سازی منتج شود.

تقریباً در نیم قرن اخیر موضوع کاشی کاری و کاشی گران مورد توجه قرار گرفته است. پژوهشگرانی چون یحیی ذکاء، محمود ماهرالنقش، حسین زمرشیدی، هادی سیف و دیگران، تلاش‌های زیادی در شناخت و معرفی گنجینه‌ی کاشی کاری ایران کرده‌اند. هرچند به دلیل گستردگی و دامنه‌ی وسیع این موضوع، بیشتر به کلیات پرداختند، اما زحماتشان در حفظ، ثبت و ضبط آثار کاشی کاری درخور ستایش است. در کنار این تلاش‌ها، بعدها ترجمه‌های دیگری نیز در این خصوص منتشر گردید اما به طور جدی، در دو دهه‌ی گذشته، اساتید دانشگاه‌ها، دانشجویان و پژوهشگران زیادی به موضوع کاشی از زوایای مختلف پرداخته‌اند که البته هنوز جای کار زیادی باقی مانده است. این پژوهش‌ها موجب شده کاشی و هنرمندان این رشته‌ها در مجامع علمی به عنوان موضوع پژوهش اهمیت پیدا کنند و به عنوان بخشی از هویت تاریخی و هنری ایران مورد توجه تربیون‌های رسمی و علمی قرار بگیرند. امیدوارم دامنه‌ی این تحقیقات گسترده‌تر، عمیق‌تر و با جمع‌آوری این مستندات، بانک اطلاعاتی کاشی کاران و هنرمندان ایرانی کامل‌تر گردد تا حلقه‌های پژوهشی و تاریخی در این زمینه تکمیل شود.

موضوع کاشی و کاشی کاران ایرانی بیش از اینکه برای ما جذاب باشد برای اروپاییان جذابیت داشته است. این را می‌توان از صدها سفرنامه‌ای که در زمان‌های گذشته، به خصوص دوره‌ی قاجار نوشته‌اند دریافت کرد. علاوه بر سفرنامه‌ها، افرادی نیز بوده‌اند که نامشان با تحقیقات و آثار موزه‌ای کاشی گره خورده است. این افراد عموماً دارای پست و مقام رسمی در دستگاه حکومتی قاجار بوده‌اند یا جزو سفراء، اطباء و از نزدیکان دربار به حساب می‌آمده‌اند. موسیو لومر فرانسوی علاوه بر آنکه معلم موسیقی دارالفنون بود، موزیکانچی‌باشی دربار ناصرالدین‌شاه نیز محسوب می‌شد و در ارتباط با هنرمندان و صنایع و حرف، آثار زیادی از آنها خریداری می‌کرد. در بین مشتریان اروپایی یک نفر از همه تأثیرگذارتر بود و در خروج آثار هنری فاخر ایرانیان به انگلیس، گوی سبقت را از دیگران ربوده است. این شخص سرگرد رابرت مرداک اسمیت است. شاید بتوانیم او را اولین کسی بدانیم که در دوره‌ی قاجار با شناسایی اساتید طراز اول کاشی‌پز و روابط گرم و نزدیک با آنها و همچنین سفارش، خرید و تشویق استادکاران کاشی به ساخت آثار ممتاز، فضایی ویژه و امکان حیاتی تازه برای پاره‌ای از این هنرمندان فراهم کرد؛ از جمله برای استاد علیمحمد اصفهانی.

اسمیت، رئیس پست و تلگرافخانه‌ی دارالخلافه تهران بود و در طی حدود بیست و سه سال اقامت در ایران، آثار بسیار باارزشی از انواع هنرهای ایرانی خریداری، جمع‌آوری و به لندن ارسال کرد. وی در کتابچه‌ای که به مناسبت افتتاح «موزه‌ی ساؤت کنزینگتون» در سال ۱۸۸۸ م. منتشر کرد، فهرست بیش از دو هزار اثر هنری را با تفکیک هنرها نوشت. بیش از نیمی از این آثار، یعنی در حدود هزار و صد اثر، شامل سفالینه‌ها، ظروف و کاشی‌های ایرانی است. وی در کاتالوگ این نمایشگاه مشخصات این آثار را نوشته و در راهنمای موزه‌ی ادینبرو که در سال ۱۸۹۶ م. منتشر شد نیز به اختصار درباره‌ی نمونه‌کارهای علیمحمد که در معرض نمایش بودند توضیحاتی ارائه کرده است. این آثار اکنون به «موزه‌ی ویکتوریا و آلبرت» (ساوت کنزینگتون سابق) لندن تعلق دارند و بخش عمده و مهمی از گنجینه‌ی هنر ایران را به خود اختصاص داده‌اند. تاکنون افراد مختلفی راجع به این آثار مقاله و کتاب منتشر کرده‌اند.

جنیفر اسکرس از جمله پژوهشگرانی است که در دو حوزه‌ی ایران و عثمانی کار و مطالعه کرده است. در حدود نیم قرن پیش مقاله‌ای در خصوص کاشی‌های ایرانی ساخت استاد علیمحمد اصفهانی نوشت. بعد از آن مرتب در این باره قلم زده و سفرهایی نیز به ایران داشته و از نزدیک آثار هنری و به خصوص آثار کاشی‌کاری را رؤیت کرده است. مجموعه‌ی حاضر شامل نه مقاله با موضوع هنر و فرهنگ قاجار و با محوریت کاشی‌های مصوّر این دوره است و مضامین و حوزه‌های دیگری از جمله باستان‌گرایی، هنرهای سنتی، معماری و کاخ‌سازی را هم شامل می‌شود. ترجمه‌ی این مقالات و جمع‌آوری آنها در قالب یک کتاب، کار ارزشمندی است که آقای دکتر بهارلو و خانم دکتر مرضیه قاسمی، با تمرکز بر هنر قاجار، به خوبی از عهده‌ی آن برآمده‌اند.

انتشار مقالات، کتب و اسناد دوره‌ی قاجار که بخشی از آنها در خارج از ایران وجود دارند باعث می‌شود شناخت ما نسبت به این دوره عمیق‌تر و دقیق‌تر شود و ذهنیتی که قبلاً از دوره‌ی قاجار به عنوان دوره‌ی انحطاط هنرها وجود داشته از میان برود. خوشبختانه روز به روز مقالات و کتاب‌های باارزشی در این حوزه، چه در داخل و چه در خارج از ایران، منتشر می‌شود. این آثار درخت تنومند فرهنگ و هنر ایران‌زمین را پُربارتر می‌کنند.

دکتر مهدی مکی‌نژاد

تهران، ۱۳۹۸

یادداشت مترجمان

تاریخ و فرهنگ عصر قاجار، همچون هر دوره‌ای، علاوه بر نارسایی‌ها و کاستی‌ها، محاسن و دستاوردهایی نیز داشته است که برخی از آنها مبتکرانه و بعضاً بی‌سابقه‌اند. اما به هر حال وجه انتقادی این فرهنگ، علی‌الخصوص طی دهه‌های گذشته و از سوی برخی منابع، گاه چنان غالب و چیره بوده که سایر جوانب را تحت الشعاع خود قرار داده و به حاشیه رانده است.

عباس امانت، استاد مطالعات خاورمیانه و صاحب تألیفاتی در حوزه‌ی قاجار، به همین بُعد قضیه پرداخته و معتقد است که دولت قاجاریه علی‌رغم نقاط ضعف گوناگون، در نیمه‌ی اول قرن نوزدهم، به عنوان پشتیبان و پرورنده‌ی یک فرهنگ شاخص و قابل توجه در طول تاریخ ایران، یگانه بوده است. از نظر وی، قاجاریه در مقایسه با دیگر دولت‌های کشورهای دنیای اسلام در خاورمیانه، از جمله مصر و حتی دولت عثمانی، کارنامه‌ی روشن و جذابی دارد. به گفته‌ی همین پژوهشگر، با ظهور دوره‌ی پهلوی، پادشاهی دوران قاجار به نحوی منفی تصویر شد و از آن به عنوان «دوره‌ی انحطاط، دوره‌ی از دست رفتن سرزمین‌های ایران، دوره‌ی شکست، ستمکاری، خرافات، فساد و قدری هم مضحکه و هزل» نام برده شد. به اعتقاد وی، در تاریخ قاجاریه رنگ خاکستری وجود ندارد و حتی با جنبه‌های مثبت و قهرمان‌سازی‌های این دوران هم در انزوا و

جدا از مقطع تاریخی‌ای که این شخصیت‌ها در آن ظهور کرده‌اند برخورد شده است: «شخصیت امیر کبیر نمونه‌ی روشن آن است».

از طرف دیگر، دیدگاه خاورشناسانه‌ی قرن نوزدهم، چه در خواندن متون و چه در باستان‌شناسی، کوشش می‌کرد تا تصویری از عظمت باستانی ایران، اوج دوره‌ی صفوی و زوال دوره‌ی قاجار بسازد. مورّخان هنری ایران هم تا همین دو دهه‌ی پیش، از بررسی دوره‌ی صفوی پا را فراتر نگذاشته‌اند؛ تا حدی که گویی دوره‌ی قاجار به کل وجود نداشته است!

بر مبنای همین معیارها و سازوکارهای نظری و جانبدارانه، مبحثی به نام «هنر قاجار» نیز حوزه‌ای کم‌مایه با برداشت‌هایی سطحی و غیراصولی از فرهنگ و هنر غرب شمرده می‌شد و در قیاس با شاهکارهای هنری اعصار گذشته‌ی ایران (بالاخص تیموری و صفوی) کمتر رغبتی را برای تأمل و تفحص برمی‌انگیخت. این مساله در آراء و آثار پژوهشگران و مورّخان کلاسیک این حوزه و حتی پیشتر، در نوشته‌ها و گزارش‌های سیّاحان فرنگی که اساس کارشان را - خودآگاه یا ناخودآگاه - بر قیاس آثار این دوره با هنر سده‌ی نوزدهم اروپا یا دوره‌ی رنسانس گذاشته بودند نیز پیداست.

به هر حال دوره‌ای که اصولاً - از منظر سیاسی و فرهنگی - در حاشیه و خفا می‌زیست و هنری که تا مدتی مغفول و مسکوت مانده بود و اساساً جدی تلقی نمی‌شد، طبیعتاً سرآغاز تفحصش نمی‌توانست با دید و برداشتی تمام‌کمال حاکی از مقبولیت و تحسین توأم باشد. اما به مرور زمان، با مطالعات بیشتر و فراگیرتری که در این زمینه صورت گرفت، برخی پژوهشگران معاصر - چه در داخل کشور و چه خارج - با دیدگاهی خوشبینانه‌تر، یا دست‌کم بی‌طرفانه، برای هنر قاجار - بنا به شرایط و مقتضیات زمانی عصری که در آن پرورش یافته بود - ارزش و اعتبار ویژه‌ای قائل شدند و آن را صاحب هویتی مستقل و منحصر دانستند - اگرچه هنر ادوار گذشته جایگاه دیگری برای خود داشت. گروهی از این پژوهشگران، که از بعضی جهات، پیشگامان مطالعات هنر اسلامی نیز به شمار می‌آیند، از کشورهای غربی، به خصوص بریتانیا و امریکا، برخاسته‌اند.

نمایشگاه‌ها، همایش‌ها، محافل و سخنرانی‌های تخصصی، و همچنین نشر کتاب

و مقاله، با تأکید و تمرکز بر حوزه‌ی هنر قاجار نیز عرصه‌ی تجلی و ابراز دغدغه‌ها و دلبستگی‌های فرهنگی افراد و گروه‌های ذیربط بوده است؛ چنان‌که از زمان برگزاری مهم‌ترین و بزرگترین نمایشگاه هنر قاجار به تصدی‌گری لیلا دیبا و مریم اختیار («نقاشی‌های سلطنتی ایران»، ۱۹۹۸م، نیویورک) به این سو، شاهد چندین نمایشگاه و گردهمایی عمده‌ی دیگر در این زمینه بوده‌ایم.

مهم‌ترین این موارد در سال‌های اخیر که گستره‌ی جغرافیایی‌شان مرزهای سه قاره‌ی آسیا، اروپا و آمریکا را درنور دیده، عبارتند از: «زنان قاجار: تصاویر زنان در ایران قرن نوزدهم»، ۲۰۱۵-۱۶م، موزه‌ی هنر اسلامی دوحه (قطر)؛ «ایران در مسیر مدرنیته»، ۲۰۱۷م، موزه‌ی پرگامون برلین (آلمان)؛ «تکنولوژی‌های تصویری: هنر در ایران قرن نوزدهم»، ۲۰۱۷-۱۸م، دانشگاه هاروارد (آمریکا)؛ «امپراطوری گل سرخ»، ۲۰۱۸م، موزه‌ی لانس (فرانسه) و غیره.

گردانندگان این رویدادهای فرهنگی-هنری، محققان و دست‌اندرکارانی هستند که فعالیت‌هایشان روشن‌گر بخش‌های مبهم و مجهول هنر دوران متأخر ایران بوده است. در این بین، از جمله پژوهشگرانی که چندی است در این حوزه قلم زده و از قضا کمتر مورد عنایت و شناخت محققان و خوانندگان واقع شده، جنیفر اسکرس (Jennifer Scarce)، نویسنده‌ی اسکاتلندی است.

* * *

جنیفر اسکرس (که معمولاً نام وی در منابع فارسی به اشتباه اسکاژس یا اسکیرس نوشته می‌شود) پیش از عزیمت به ادینبرو - پایتخت اسکاتلند - و تصدی بخش «فرهنگ‌های خاورمیانه» در موزه‌ی ملی اسکاتلند، در «دانشگاه لندن» (UCL) به تحصیل رشته‌ی تاریخ خاورمیانه‌ی باستان و کلاسیک پرداخت. وی مدرس افتخاری فرهنگ‌های خاورمیانه در «کالج هنر و طراحی دانکن جُردنستون» (دانشگاه داندی) است و در آنجا به دانش‌آموختگان ارشد مشاوره می‌دهد. او مشاور پژوهشی و سیاحتی، متصدی و نویسنده‌ی آزاد نیز هست.

اسکرس در حال حاضر در شورای IQSA (انجمن بین‌المللی مطالعات قاجار) فعالیت می‌کند و تخصصش حوزه‌ی تاریخ و فرهنگ ایران اواخر سده‌ی هجده تا اوایل سده‌ی

بیست میلادی را در بر می گیرد. جنیفر اسکرس همچنین عضو شورا و متولی BIPS (مؤسسه‌ی بریتانیایی مطالعات ایران) است. این مؤسسه، باستان‌شناسی و تاریخ ایرانِ تمامی ادوار را، هم برای متخصصان این رشته و هم عموم مردم، تحت پوشش قرار می دهد.

جنیفر اسکرس تاکنون در زمینه‌ی فرهنگ خاورمیانه، نمایشگاه‌های موقت و دائمی فراوانی برای موزه‌ی ملی اسکاتلند برگزار کرده است. وسعت جغرافیایی سفرهای این پژوهشگر از شمال آفریقا و حوزه‌ی مدیترانه تا ایران و عراق، عمان، کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس، اردن، رومانی و اروپای شرقی را در بر می گیرد. وی در طول این سفرها، منسوجات و البسه‌ی معاصر این کشورها را نیز برای مجموعه‌های موزه جمع‌آوری و طرح‌های تحقیقاتی متعددی را دنبال کرده است. جامه‌های درباری ترکیه‌ی عثمانی، تزئینات کاشی‌کاری در معماری ایرانِ سده‌ی نوزدهم، فرهنگ مادی شمال آفریقا و جهان عرب، و همین‌طور فرش‌بافی رومانی، از مباحثی است که مورد مطالعه و پژوهش اسکرس بوده‌اند.

از دیگر فعالیت‌های این محقق، همکاری با تیم‌های باستان‌شناسی در بندر سیراف خلیج فارس (دوره‌ی میانه‌ی اسلامی) و مشارکت در حفاری سکونتگاه‌های اولیه در عمان بوده است. جنیفر اسکرس کاتالوگی از مجموعه‌کاشی‌های ایرانِ سده‌ی نوزدهم را در «موزه‌ی ویکتوریا و آلبرت» تدارک دیده که شماری از آنها به صورت آنلاین در پایگاه اطلاعاتی این مکان به نمایش گذاشته شده‌اند. اسکرس در سال ۲۰۱۲م. از سوی «بنیاد هنر اسلامی دوریس دوک» در هونولولو، پیشنهاد یک دوره‌ی تخصصی را برای کار در مجموعه‌های ایرانی دریافت کرد.

یکی دیگر علایق این محقق، پزشکیانی هستند که در سده‌ی نوزدهم میلادی و اوایل سده‌ی بیستم در «اداره‌ی تلگراف ایران» فعالیت می کردند. علاوه بر این، سیاحان فرنگی‌ای که به خاورمیانه سفر می کردند، به ویژه آن دسته که اصالت اسکاتلندی داشته‌اند نیز طبعاً از حیطه‌های مورد نظر این پژوهشگر به شمار می آیند.

آثار متعددی منتشر شده از این محقق، کتاب‌ها و مقالاتی با موضوع جامه و منسوجاتی عمدتاً از ایران، ترکیه و مراکش؛ قوم‌نگاری کویت؛ بافندگی رومانی؛ و «فرهنگ بومی خاورمیانه» را در بر می گیرد. موضوع اخیر، در واقع یک طرح مطالعاتی بوده که به صورت

مکتوب ضمیمه‌ی نمایشگاهی در موزه‌ی ملی اسکاتلند شد و در اصل، نوشتاری راجع به نوع پوشش و البسه برای کاتالوگ نمایشگاه بوده است. «افسونگری ایران، گفتگوی ایران و اروپا در هنر سده‌ی هفدهم میلادی و هنر معاصر تهران» در «موزه‌ی ریتبرگ زوریخ» (۲۰۱۳ م.) و مقدمه‌ای بر کتاب منسوجات تزئینی عرب و فرهنگ‌های اسلامی، از دیگر فعالیت‌ها و نوشته‌های این پژوهشگر هنرهای اسلامی به شمار می‌آیند. نوشته‌های در دست اقدام نیز شامل مقاله‌ای درباره‌ی لُرد بایرون و «پوشش ملی یونان» و همچنین طرحی برای کتابی در مورد تزئینات معماری بناهای سده‌ی نوزدهم ایران است.

این نویسنده و هنرپژوه کماکان سخنران مدعو کنفرانس‌های ملی و بین‌المللی و نیز گروه‌های تخصصی در بریتانیا، امریکا و خاورمیانه است. از وی تاکنون سخنرانی‌های زیادی در مورد گشت و سیاحت در خاورمیانه و شمال افریقا منتشر شده است؛ از جمله سفرهایی به دریای سرخ برای بازدید از سایت‌های باستان‌شناسی در اردن و مصر. چند نمونه از سخنرانی‌های سال‌های اخیر اسکرس، طی دو سفر به اردن (۲۰۱۳، ۲۰۱۴ م.)، یک سفر به رومانی (۲۰۱۴ م.) و همین‌طور سیاحتی در یک کشتی تفریحی در راه دریای سرخ انجام شده است.

نمایشگاه «سرامیک‌های قاجاری: پلی میان سنت و تجدد» (۲۰۱۹ م.) جدیدترین کار وی در زمینه‌ی ارائه‌ی آثار سفالین ایران عصر قاجار و بررسی مباحثی درباره‌ی ویژگی‌ها، مضامین و زیبایی‌شناسی این آثار بوده که در «موزه‌ی هنرهای اسلامی» مالزی برگزار و به مناسبت آن، کاتالوگ ارزشمندی نیز در قالب یک کتاب منتشر شده است.

* * *

«شکوه هنر قاجار» (عنوانی به انتخاب مترجمان) شامل نه مقاله است که از منابع مختلف گردآوری شده‌اند. این مقالات گرچه کار پژوهش و نگارش‌شان به سال‌ها یا دهه‌های گذشته بازمی‌گردد، با این حال به دلیل اتخاذ رویکرد توصیفی - تحلیلی نگارنده و پرداختن به مسائل تاریخی و زیبایی‌شناختی، چندان مشمول گذر زمان نشده و هنوز تازگی دارند. از طرفی، ترجمه و نشر همین مطالب، گاه برای محققان و علاقه‌مندان، نکات و ظرایفی در پی دارد که در مواردی الهام‌بخش و راهگشاست؛ به خصوص آنکه

پیش از این نیز به دست ترجمه سپرده نشده و این مترجمان، در منابع و ارجاعات محققان داخلی، کمتر از آنها - دست کم همین موارد پیش رو - سراغی یافته‌اند.

در اینجا لازم است برای آگاهی بیشتر، اصل مأخذ مقالات (انگلیسی) ارائه شود. از این رو در ذیل به این منابع به صورت فهرست‌وار (طبق ترتیب ترجمه‌ی فارسی) اشاره شده است. ضمناً باید یادآور شد به منظور بهبود کیفیت چاپ، تقریباً تمامی تصاویر متون توسط مترجمان جایگزین، یا با نمونه‌های مشابه و مرتبط، معادل‌سازی شده‌اند.

دو ضمیمه با موضوع کلی تبارشناسی، گاه‌شماری و تاجگذاری قاجارها نیز پایان‌بخش این مجلد است که به دلیل ضرورت آشنایی با دودمان قاجار و تکمیل مباحث، توسط مترجمان از منابع قدیمی و کمتر دیده‌شده گزینش و الحاق شده‌اند. و اما مأخذ مقالات:

- Persian Art through the Eyes of Nineteenth-Century British Travellers, Bulletin (British Society for Middle Eastern Studies) Vol. 8, No. 1, 1981.
- Entertainment East and West - Three Encounters between Iranians and Europeans during the Qajar Period (1786-1925), Iranian Studies (Journal of the International Society for Iranian Studies) , Vol. 40, No.4, September 2007.
- Art and Architecture of the Qajar Period, Iranica, Encyclopedia Iranica, Vol. II, Fasc. 6, 1986.
- Ancestral Themes in the Art of Qajar Iran 1785-1925, in Doris Behrens-Abouseif and Stephen Vernoit (eds) Islamic Art in the 19th Century; Tradition, Innovation and Eclecticism, Brill, Leiden 2006.
- The Royal Palaces of the Qajar Dynasty - A Survey, in Edmund Bosworth and Carole Hillenbrand (eds) Qajar Iran, Political Cultural and Social Change, Edinburgh University Press 1984.
- The Architecture and Decoration of the Gulistan Palace: The Aims and Achievements of Fath Ali Shah (1797-1834) and Nasir-al-Din Shah (1848-1896), in Layla Diba (ed) Iranian Studies vol 34, nos 1-4, 2001.
- Some Interpretations of Religious and Popular Culture in Qajar Tilework, in Robert Gleave (ed) Religion and Society in Qajar Iran, Routledge Curzon 2005.
- The Role of Colour in the Themes and Techniques of Tilework in Qajar Persia, in Qajar Studies, Journal of the International Qajar Studies Association, Vol 9, 2009.
- Ali Mohammad Isfahani, Tile-Maker of Tehran, Oriental Art (New Series) 22, 1976.

یادداشت مترجمان ۱۹

در پایان شایسته است از همراهی و همفکری پژوهشگران محترم، آقایان کیانوش معتقدی و دکتر مهدی مکی‌نژاد، در تهیه و ارائه‌ی هرچه بهتر این مجموعه قدردانی شود. دقت نظر و تلاش همکاران نشر «خط و طرح»، خانم‌ها توکا ملکی و غزاله یعقوبی در چاپ پیشین اثر، سزاوار تقدیر و تشکر است.

موجب خرسندی است که کتاب حاضر بعد از چند سال، بار دیگر از سوی نشر دانیار تجدید چاپ می‌شود.

دکتر علیرضا بهارلو

دکتر مرضیه قاسمی

۱۴۰۵